

بررسی و مقایسه مشکلات رفتاری کودکان مادران شاغل و غیر

شاغل

فاطمه السادات رازقی ۱

فاطمه آقائزاد

دکتر فرخنده مفیدی

چکیده

هدف این پژوهش رسیدن به پاسخ این سوال است که: آیا بین اشتغال مادران و مشکلات رفتاری کودکان سنین پیش از دبستان (پرخاشگری، بی توجهی و رفتارهای بچه گانه، گوشه گیری و اضطراب) رابطه معناداری وجود دارد؟ جامعه مورد پژوهش، تمام کودکان سنین پیش از دبستان شهرستان تهران انتخاب شدند. نمونه گیری به صورت خوشه ای چند مرحله ای صورت گرفت. و در نهایت ۱۰۰ کودک انتخاب شدند. ابزار پژوهش پرسشنامه مشکلات رفتاری کودکان پیش از دبستان بود که توسط مربیان تکمیل گردید. بعد از تحلیل یافته ها نتایج حاصل عبارت بود از اینکه، اضطراب و گوشه گیری در میان کودکان مادران شاغل کمتر از مادران خانه دار بود. اما میان مشکلاتی چون پرخاشگری و بی توجهی تفاوت معناداری میان دو گروه دیده نشد. همچنین میان میزان تحصیلات مادران و جنسیت کودکان با مشکلات رفتاری آنها رابطه معناداری یافت نشد.

کلمات کلیدی: مادران خانه دار ، مادران شاغل ، مشکلات رفتاری کودکان پیش

دبستانی

مقدمه:

از لوازم توسعه هر جامعه ای، بهره گیری از نیروی کار و مشارکت هر دو گروه زنان و مردان در جامعه است. کار کردن زنان در جوامع پدیده ای جدید نیست، از دیر باز زنان دوشادوش مردان مشغول به کار بوده اند و چه ارزش اقتصادی کارشان به رسمیت شناخته شده باشد یا نشده باشد، در پیشرفت اقتصادی جامعه سهمیم بوده اند. با توجه به تحولات اقتصادی و اجتماعی در سال های اخیر و نیاز روزافزون جامعه به نیروهای انسانی و به دنبال آن اشتغال بیشتر زنان، ایجاد فضای سالم برای رشد و پرورش فرزندان شایسته برای فردای جامعه به کمک آگاهی های لازم برگرفته شده از یافته های پژوهشی ضروری به نظر می رسد.

به موازات افزایش اشتغال زنان و عدم حضور تمام وقت مادران درخانه، روان شناسان بیشتر علاقه مند شدند که مطالعات و پژوهشهای خود را بر چگونگی روابط میان والدین و کودکان و همچنین تاثیر اشتغال مادران بر زندگی خانوادگی، متمرکز کنند.

مطالعات انجام شده توسط روان شناسان مختلف نشان می دهد که در بین عوامل بسیاری که در رشد و تکامل شخصیتی و اجتماعی و سازگاری کودکان دخالت دارند، عوامل خانوادگی نقش بارز و سرنوشت سازی دارد. از جمله ارتباط میان والدین با یکدیگر، ارتباط والدین با فرزندان، وضعیت موقعیت اجتماعی و اقتصادی، اشتغال مادر و عدم حضور تمام وقت وی در خانواده جزء مهمترین عوامل تاثیر گذارند. (شعاری نژاد، ۱۳۶۷)

اغلب متخصصان دوران کودکی به ویژه از تولد تا ۶ سالگی (سالهای پیش از دبستان) را دوران پی ریزی شخصیت و اساسی برای رفتارهای آتی فرد میدانند، آنان معتقدند که شخصیت پدر و مادر و کیفیت رفتار آنان بیش از هر عامل دیگری در تکوین شخصیت طفل اثر میگذارد. والدین اولین کسانی هستند که در آینه حساس ضمیر کودک نقش می آفرینند. در این میان بررسی ها نشان داده اند که کیفیت تعامل مادر و کودک، تأثیر زیادی بر تکامل طبیعی کودک دارد. هم چنین برخی عوامل هم چون کشمکش های خانوادگی و شکست ازدواج، اشتغال والدین، نداشتن رابطه گرم با والدین، دل بستگی نامن، مقررات سخت، نظارت ناکافی، و بیماری های روانپزشکی در والدین، خطر شکل گیری مشکلات رفتاری و هیجانی در کودک را افزایش می دهند. (ساندرز^۱، ۲۰۰۵).

مطالعات نشان داده است که در اغلب خانواده ها تأثیر مادران در خلق و خوی کودکان بیشتر از پدران است. البته دلیل این امر شاید ناشی از آن باشد که قسمت اعظم مسؤولیت پرورش فرزند به

مطالعه تطبیقی برنامه درسی دوره دکتری رشته مدیریت آموزشی □ ۱۵۷

مادر محول می شود، این تأثیر مادری در صورتی که به حد افراط نباشد، هیچ گونه اثر سوئی بر شخصیت کودکان به جای نمیگذارد. در گذشته روانشناسان تصور میکردند که وابستگی کودک به مادرش از آن جهت است که مادر به عنوان منبع تغذیه یکی از اساسی ترین نیازهای کودک را فراهم میکند. سلسله آزمایشهای معروفی که توسط مارگرت هارلو بر روی میمون ها انجام گرفت، نشان داد که در وابستگی فرزند به مادر چیزی بیش از غذا در کار است. (اتکینسون^۱، ۱۳۷۳).

بحث درباره اثر اشتغال مادر بر کودک با اختلاف نظرهای بسیاری همراه میباشد. دیدگاههای مخالف و موافق بسیاری در این باره مطرح شده و با گذشت زمان، نظرات از تحقیقات جدید اثر پذیرفته اند.

برخی از صاحب نظران اظهار کرده اند که مادران به علت اشتغال در خارج از منزل از همان هفته های نخست که فرزندشان نیازمند برقراری ارتباطات عاطفی و حسی با آنان است، ساعتها و گاه روزها او را از تابش پرتوهای محبت یا عاطفه خود محروم میسازند. و درمقابل برخی تحقیقات نیز نشان میدهد که اشتغال مادر اثرات مثبتی به همراه دارد، کودکانی که در خانوادهای زندگی میکنند که مادرشاغل است، از افراد خارج از خانه توجه بیشتری می بیند و در خانه در مقایسه با سایر کودکان مسؤولیتهای بیشتری خواهد داشت. کودکان مادران شاغل در مقایسه با کودکان مادران خانه دار، غالباً از سازگاری شخصیتی - اجتماعی بهتر و مشکلات رفتاری کمتری در مدرسه برخوردارند. (هافمن^۲، ۱۹۸۵).

بیشتر نظریه پردازان میزان توجه به نیازهای کودکان و شیوه های برآوردن آنها را از سوی مادر تحلیل نموده، بر این باورند که رویدادهای دوران کودکی بامشکلات رفتاری، وضعیت های ذهنی، عزت نفس، شخصیت دوران بلوغ و هم چنین الگوهای رفتاری در بزرگسالی رابطه دارد. (هافمن^۱، ۱۹۹۱. داکت^۳ و ریچاردز^۴، ۱۹۹۵).

هافمن همچنین با مروری بر تاریخچه این زمینه دریافت که مادران شاغل وقت کمتری را به مراقبت از کودکان خود اختصاص میدهند. دو نکته حایز اهمیت در تحقیقات وی عبارتند از:

۱-Atkinson

۲-Hoffman

۳-Ducket

۴-Richards

- اگر چه مدت زمانی که مادران شاغل، صرف مراقبت از فرزندانشان می کنند کوتاه تر از زمانی است که مادران غیر شاغل اختصاص می دهند، اما این زمان از لحاظ کیفی فعالانه تر، هدف دارتر و جدی تر از اوقاتی است که مادران غیر شاغل به این کار می پردازند.
- پدران در خانواده هایی که همسران شاغل دارند، در مقایسه با پدران خانواده هایی که همسران خانه دار (غیر شاغل) دارند، مدت زمان بیشتری را صرف نگهداری از فرزندان و کارهای خانه می کنند.

ماسن^۱ و همکاران (۱۳۷۳) عنوان میکنند: " بر طبق نظر بالبی، نتیجه عمده کنش متقابل بین مادر و فرزند به وجود آوردن نوعی وابستگی عاطفی است، این ارتباط عاطفی سبب می شود که کودک به دنبال آسایش حاصل از وجود مادر باشد، بخصوص هنگامی که احساس ترس و ناامنی میکند. این وابستگی به مادر نتایج طولانی دارد. این نتایج عبارت است از فراهم آمدن سرمایه های از امنیت عاطفی برای کودک و پی ریزی شالوده ی رابطه های بعدی کودک با والدینش و نیز نفوذی که آنها بعداً میتوانند در او داشته باشند. "

گاتفیرد^۲ (۱۹۸۸) نوع شغل مادر، ثبات شغلی، ساعات کار مادر و میزان رضایتی را که از نقش خود در اجتماع دارد را عامل مهمی در سازگاری و بهبود مشکلات رفتاری کودکان میدانند. بلسکی و رونین^۳ (۱۹۸۸) نیز معتقدند مادرانی که بیشتر از ۳۵ ساعت در هفته خارج از خانه مشغول به کار هستند، اثرات سویی بر رفتار فرزندانشان دارند.

از منظری دیگر، ساندرز معتقد است، یکی از دست آوردهای اشتغال، ایجاد کفایت و خود باوری است. خودباوری و احساس کفایت والدین در مدیریت رفتارهای کودکان در برخی پژوهش ها مورد بررسی قرار گرفته و بهبود خودباوری در افزایش کیفیت تعامل مادر و کودک مؤثر گزارش شده است. سطح بالای خودباوری در مادر یک عامل حمایتی در برابر مشکلات رفتاری کودک به شمار می رود که خود افزایش اعتماد به نفس، بهبود عملکرد اجتماعی و تحصیلی و نیز کاهش افسردگی و اضطراب را در پی دارد. بر عکس، خودباوری اندک، به کارگیری روش های سخت و آزاردهنده در تربیت فرزند را به دنبال دارد که به تداوم مشکل رفتاری کودک می انجامد. (ساندرز، ۲۰۰۵).

توکلی (۱۳۷۹) در تحقیق خود دریافت که میزان سازگاری اجتماعی کودکان مادران شاغل بیش از کودکان مادران خانه دار است.

۱ - Massen

۲ - Gatifird

۳ - Belski & Ronin

مطالعه تطبیقی برنامه درسی دوره دکتری رشته مدیریت آموزشی □ ۱۵۹

هاروی^۱ در تحقیقی طولی با عنوان تأثیرهای کوتاه مدت و بلندمدت اشتغال والدین بر کودکان به این نتیجه رسیده است که اشتغال والدین حداقل تأثیر را در تأخیر عملکردهای کودکان دارد. دلیل اصلی نگرانی واضطراب مادرانی که خانه داری یا اشتغال را برای خود انتخاب نموده اند ممکن است این باشد که آنها نیاز دارند تا جایی که امکان دارد برای فرزندانشان وقت صرف کنند. هاش چایلد^۲ (۱۹۹۷) در تحقیقی به این نتیجه رسیده است که، مادران خانه داری که خود ثروتمند هستند و یا از نظر اقتصادی و مالی به وسیله شوهرانشان یا سایر وابستگان تامین می شوند به طریق گوناگون بیش از حد درگیر کار کودکانشان می شوند و الگوهای ضعیفی برای دخترانشان می باشند. دادستان و همکاران (۱۳۸۹) اینگونه عنوان می کنند که کودکان مادران شاغل نسبت به کودکان مادران خانه دار مهارتهای ارتباطی بهتری دارند. لوکاس و تامپسون^۳ (۲۰۱۰) نشان داند که به طور کلی اشتغال مادران در برخی موارد به ویژه سالهای در سالهای پیش از دبستان به پیشرفت و سازش بهتر کودک کمک می کند و کودک را از خطر انزوا و مشکلات ناشی از آن دور میکند.

بیان مساله:

هفت سال اول زندگی کودک، یعنی سنین پیش دبستانی، پایه و اساس شخصیت او را تشکیل می دهد و اگر این دوره آن گونه که پیامبر خدا فرمودند با عطوفت و مهرورزی همدلی و همراهی، غلیان و فوران احساسات خوشایند، محبت پذیری و اقتدار عاطفی کودکان همراه باشد، قوی ترین، سالم ترین و متعادل ترین ستون های تکوین شخصیت پی ریزی می شود و این قبیل بچه ها بیشترین آمادگی روانی و ذهنی را برای یادگیری (هفت سال دوم) می یابند و آمیزه ای از محبت پذیری و آموزش پذیری، آنان را برای دوره مشورت پذیری و رایزنی با بزرگ ترها (هفت سال سوم) آماده می کند. ویژگی های خاص ای دوران همچون کنجکاوی زیاد، تقلید صریح از گفتار و کردار بزرگسالان، آمادگی کسب مهارتهای ارتباطی سالم، آغاز سازگاری و ...، توجه و دقت بیشتر والدین و مربیان را می طلبد. چرا که کودکان کوچکترین حرکات و رفتارهای بزرگسالان را مورد دقت قرار می دهند و به یک درک باطنی از الگوی بزرگسال خود و احساسات آنها نسبت به خود می رسند. رفتارهای غیر اخلاقی

۱-Harvi

۲-H.chald

۳-Lucas & Thompson

و ناهنجار و یا برخوردهایی توأم با بی مهری و کم توجهی تأثیر نامطلوبی بر شخصیت کودک خواهد داشت.

از سوی دیگر شرایط جدید اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی، تغییر و تنوع در نقش های زن و مرد و بالاخص زنان موجب گردیده که بسیاری از آنها نتوانند مثل گذشته بصورت تمام وقت در کنار فرزندان خود حضور یابند. از طرفی گسترش روزافزون مهد کودک ها که به دلیل اشتغال مادران در خارج از خانه جایگزین نقش آنها شده و اثرات متفاوتی را در شکل گیری شخصیت کودک برجای می گذارد از اهمیت ویژه ای برخوردار شده است. حال این سوال مطرح است:

آیا بین اشتغال مادران و مشکلات رفتاری کودکان سنین پیش از دبستان (پرخاشگری، بی توجهی و رفتارهای بچه گانه، گوشه گیری و اضطراب) رابطه وجود دارد؟
فرضیه های محقق عبارتند از:

۱. بین اشتغال مادران و پرخاشگری کودکان در سنین پیش از دبستان رابطه وجود دارد.
۲. بین اشتغال مادران و بی توجهی کودکان در سنین پیش از دبستان رابطه وجود دارد.
۳. بین اشتغال مادران و گوشه گیری و اضطراب کودکان در سنین پیش از دبستان رابطه وجود دارد.

روش پژوهش:

جامعه مورد پژوهش، تمام کودکان سنین پیش از دبستان مناطق آموزشی شهرستان تهران انتخاب شدند. نمونه گیری به صورت خوشه ای چند مرحله ای که در مرحله اول مناطق و در مرحله دوم پیش دبستانی ها و در مرحله سوم دانش آموزان انتخاب شدند، صورت گرفت. از میان کلیه مناطق ۲۲ گانه شهر تهران، ۳ منطقه (مناطق ۲، ۵، ۶) به صورت تصادفی انتخاب شد. در هر منطقه نیز تعداد ۵ پیش دبستان به صورت تصادفی گزینش شد، و در نهایت ۱۰۰ کودک پیش دبستانی را مورد آزمون قرار گرفت.

مقصود از مادران شاغل در این پژوهش، مادرانی هستند که دست کم هر روز چهار ساعت در بیرون از خانه در سازمانی خصوصی یا دولتی به کار اشتغال داشته و حقوقی بابت کارشان دریافت می کنند. مادران خانه دار مادرانی بوده اند که به کاری بیرون از خانه اشتغال نداشته، حقوقی دریافت نمی کردند.

ابزار پژوهش:

ابزار مورد استفاده در این تحقیق پرسشنامه مشکلات رفتاری کودکان پیش دبستانی است. این پرسشنامه دارای ۲۷ ماده می باشد، که سه عامل پرخاشگری، بی توجهی و رفتارهای بچه گانه و گوشه گیری و اضطراب را می سنجد. در قالب ساختاری این پرسشنامه، به جز روایی محتوا که از طریق نظرخواهی از صاحب نظران احراز شد، به منظور بررسی روایی سازه از تحلیل عوامل نیز استفاده گردید. و در هر سه عامل مورد تایید قرار گرفت.

ضرایب آلفا برای عوامل سه گانه عبارتند از:

پرخاشگری ۸۹٪، بی توجهی و رفتارهای بچه گانه ۸۰٪ و گوشه گیری و انزوا ۷۰٪. این یافته ها نشانگر اعتبار مطلوب پرسشنامه می باشد. (ساعتچی، ۱۳۸۹)

پرسشنامه ها توسط مربیان پاسخ داده شد و نتایج مورد تحلیل و بررسی قرار گرفت.

یافته های پژوهش:

برای بررسی تفاوت بین مشکلات رفتاری (پرخاشگری، بی توجهی و گوشه گیری) کودکان مادران شاغل و خانه دار از آزمون t استفاده گردید (جدول ۱).

جدول ۱- مقایسه مشکلات رفتاری (پرخاشگری، بی توجهی و گوشه گیری) کودکان مادران

شاغل و خانه دار

متغیر وابسته	متغیر گروه بندی	گروه ها	میانگین (نمره)	انحراف معیار	t	سطح معنی داری
پرخاشگری	اشتغال مادر	خانه دار	۱۱/۴۴	۲/۳۱	۰/۸۲۲	۰/۴۱۳
		شاغل	۱۰/۹۸	۲/۶۵		
بی توجهی	اشتغال مادر	خانه دار	۷/۹۰	۲/۱۱	-۰/۲۳۱	۰/۸۱۸
		شاغل	۸	۱/۸۲		
گوشه گیری	اشتغال مادر	خانه دار	۶/۸۱	۲/۳۱	۳/۹۱۹**	۰/۰۰۰
		شاغل	۴/۸۵	۲/۶۶		
مشکلات رفتاری	اشتغال مادر	خانه دار	۲۶/۱۶	۳/۵۴	۳/۰۲۰**	۰/۰۰۳
		شاغل	۲۳/۸۴	۴/۱۲		

نتایج جدول ۱ نشان می دهد، میان فاکتور گوشه گیری و اضطراب کودکان مادران شاغل و خانه دار در سطح ۱٪ تفاوت معنی داری وجود دارد. با توجه به میانگین گروه ها، کودکانی که مادران آن ها شاغل نیستند دارای گوشه گیری و اضطراب بیشتری هستند. همچنین نتایج نشان داد میان پرخاشگری و بی توجهی کودکان مادران شاغل و خانه دار تفاوت معنی داری وجود ندارد.

علاوه بر نتایج فوق رابطه معناداری میان تحصیلات مادران و مشکلات رفتاری کودکان مشاهده نشد. همچنین تفاوت معناداری میان مشکلات رفتاری دختران و پسران نیز مشاهده نشد. در نتیجه :

فرضیه اول و دوم مبنی بر وجود رابطه میان پرخاشگری و بی توجهی کودکان سنین پیش از دبستان با اشتغال مادران رد، و فرضیه سوم مبنی بر وجود رابطه میان گوشه گیری و اضطراب کودکان سنین پیش از دبستان با اشتغال مادران در سطح ۱٪ پذیرفته می شود.

بحث و نتیجه گیری:

اضطراب و گوشه گیری ناشی از آن مشکلی است که از گذشته تا کنون به جهات بسیار مختلف دامنگیر افراد مختلف بوده و هست. این مشکل به دلایل متعدد مورد توجه قرار نگرفته است، و عامه مردم کمتر از آن به عنوان یک معضل و مشکل یاد می کنند. غافل از این که این مسئله در بطن جامعه، فرد را با مشکلات زیادی اعم از عدم توانایی ایجاد رابطه با دیگران و به تبع آن ناتوانی در یادگیری و کسب آگاهی ها و مهارت های مختلف مواجه می کند. شاید از دلایلی که والدین و حتی معلمان مدارس به این مشکل توجه نمی کنند، برداشت غلطی است که از عملکرد افراد گوشه گیر دارند. این باور نادرست که این کودک مؤدب است، در دسر ایجاد نمی کند و تربیت او راحت تر است، موجب متقاعد شدن والدین شده که گوشه گیری اجتماعی را به عنوان یک مشکل ندانسته و به این ترتیب از مشکلاتی که کودک در آینده با آن مواجه خواهد شد غافل بمانند. (افروز، ۱۳۷۶)

از نقطه نظر متخصصان علم روان شناسی کمرویی و انزواطلبی یکی از جدی ترین مشکلات کودکان است. کودک منزوی به سبب رنج ناشی از احساس ناامنی و بی کفایتی در خود یکی از ناخوشایندترین کودکان است و ناچاراً پیوسته به دنیای درون خویش پناه می برد.

انزوا با یک سلسله علایم متعدد و به هم پیوسته همراه است. کودک گوشه گیر چون نمی تواند مشکلاتش را در عالم واقعیت حل کند، به تخیل فرو می رود و به خیالیابی می پردازد. او انسانی بی هدف است که نمی داند برای آینده اش چه طرحی باید بریزد. از مردم گریزان است و هر تمنا و

مطالعه تطبیقی برنامه درسی دوره دکتری رشته مدیریت آموزشی □ ۱۶۳

خواهشی را یک تحمیل تلقی و در برابر آن به شدت مقاومت می کند. از همین روست که مرتب با همه دچار تضاد و کشمکش است اما برای دفاع از حقش اقدام نمیکند چون کناره گیری را بر تلاش ترجیح می دهد .

از دیگر نشانه ها می توان به خجالت و سکوت ، احساس محرومیت و ناتوانی از برقراری رابطه با اطرافیان، به تعویق انداختن انجام کارها و یا از این شاخه به آن شاخه پریدن پریدن، بی حوصلگی، کسالت، احساس خستگی مداوم، پوچی، زود رنجی، نگرانی از آیند، کمک نخواستن از دیگران هنگام نیاز، سازش با وضع نامناسب موجود و عدم اعتراض به آن، اجتناب از رقابت، غیبت از مدرسه و عدم علاقه به درس و مدرسه ، عدم تمرکز حواس ، اختلال در خواب و خوراک، بی اعتنایی به وقایع اطراف، بی اعتمادی نسبت به یک تجربه موفقیت آمیز در یک فعالیت گروهی اشاره کرد.

هندرسون^۱ در پژوهش خود نشان داد که فرزندان مادران شاغل برای انجام مسئولیت های شخصی بیشتر مورد تشویق و تأیید قرار می گیرند و برای برنامه ریزی انجام تکالیف و وظایف خود از انتخاب های بیشتری برخوردارند. افزون بر آن مادران شاغل زمان بیشتری را برای تفریحات سازنده و فکری فرزندانشان نسبت به زنان خانه دار اختصاص می دهند. نوجوانان دارای مادران شاغل، در مقایسه با نوجوانان دارای مادران خانه دار، از احساس ارزشمندی، سازگاری اجتماعی، احساس تعلق و حمایت اجتماعی بیشتری برخوردارند و دختران نوجوان آنها مستقل تر و فعال ترند و درآزمون های پیشرفت تحصیلی و هوشی نمرات بالاتری رابه دست می آورند. (هندرسون، ۱۹۹۹)

همچنین در تحقیقات دادستان و همکاران (۱۳۸۹) به این نتیجه اشاره شد که کودکان مادران شاغل از مهارتهای ارتباطی بهتری نسبت به کودکان مادران خانه دار برخوردارند. در این پژوهش نیز این مطلب که اشتغال مادران از عوامل تاثیر گذار بر مهارتهای ارتباطی ، اضطراب و گوشه گیری کودکان است، را مورد تایید قرار میدهد.

محدودیت‌های و پیشنهادات پژوهش:

از آنجا که این تحقیق در جامعه کودکان پیش دبستانی شهرتهران انجام شد، و با توجه به بافت فرهنگی و نسبت بالای مادران تحصیل کرده غیر شاغل در این جامعه، دخالت فاکتور تحصیلات والدین را در بروز مشکلات رفتاری بی تاثیر نیست. لذا پیشنهاد می شود تحقیقات مشابهی در جوامع دیگر و با در نظر گرفتن عواملی چون تحصیلات والدین، سطح اقتصادی و فرهنگی خانواده ها و موارد مشابه انجام شود.

منابع:

- ۱- افروز، غلامعلی. (۱۳۷۶). روان شناسی کمرویی و روش های درمان. تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
 - ۲- اتکینسون، ریتال؛ اتکینسون، ریچارد س.؛ هیلگارد، ارنست ر (۱۳۷۹)، تهران، انتشارات رشد
 - ۳- دادستان، پریخ وهمکاران، (۱۳۸۹)، *مهارت های اجتماعی-هیجانی کودکان پیش دبستان، مقایسه جمعیت شناختی*
 - ۴- ساختمانی زنوز، زهرا (۱۳۸۱). *بررسی و مقایسه اشتغال و عدم اشتغال مادران بر عزت نفس و منبع کنترل نوجوانان دختر و پسر سنین ۱۲ تا ۱۴*، پایان نامه کارشناسی ارشد روانشناسی شخصیت. دانشگاه آزاد کرج.
 - ۵- ساعتچی، محمود. (۱۳۸۹). *آزمونهای روان شناختی، تهران، نشر ویرایش.*
 - ۶- کوشان م، بهنام وشانی ح. *بررسی شیوع برخی اختلالات رفتاری و عوامل خانوادگی موثر در کودکان دبستانی شهر سبزوار.* اسرار مجله دانشکده علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی سبزوار، زمستان ۱۳۸۰ سال هشتم
 - ۷- ماسن، هنری (۱۳۷۶). *رشد شخصیت کودک ترجمه: مهشید یاسایی . تهران: نشر مرکز*
 - ۸- ملامحمد رحیمی، ه. (۱۳۸۰). *بررسی پیامد اشتغال برای زنان شاغل و فرزند اول آنها.* پایان نامه کارشناسی ارشد روانشناسی، دانشکده تحصیلات تکمیلی، دانشگاه شیراز
۱. Allen, J.L., Lavallee, K.L., Herren, C., Ruhe, K., & Schneider, S. (۲۰۱۰). DSM-IV criteria for childhood separation anxiety disorder: Informant, age, and sex differences. *Journal of Anxiety Disorders*, ۲۴(۸): ۹۴۶- ۹۵۲
 ۲. Duckett, E., & Richards, M. H. (۱۹۹۵). Maternal employment and the quality of daily experience for young adolescents of single mothers. *Journal of Family Psychology*, ۹, ۴۱۸-۴۳۲.
 ۳. Henderson, Z. P. (۱۹۹۰). Children of employed mothers aren't necessarily overburdened with housework. Available on: Epnet.com.
 ۴. Hoffman, L. W. (۱۹۹۱). The influence of the family environment on personality: According for sibling differences. *Psychological Bulletin*, ۱۱۰, ۱۸۷-۲۰۳.
 ۵. Hoffman, L. W. (۱۹۹۸). The effect of the mothers employment on the amily and child. Ann Arbor: University of Michigan Library.

مطالعه تطبیقی برنامه درسی دوره دکتری رشته مدیریت آموزشی □ ۱۶۵

۶. Lucas-Thompson, R. G.; Goldberg, W. A.; Prause, J. (۲۰۱۰). Maternal work early in the lives of children and its distal associations with achievement and behavior problems: A meta-analysis. *Psychological Bulletin*, ۱۳۶(۶): ۹۱۵-۹۴۲.

۱۶۶ فصلنامه علمی- پژوهشی تحقیقات مدیریت آموزشی سال پنجم، شماره چهارم، تابستان ۱۳۹۳